

## الگوی میانجی احساس تنهایی هیجانی و اجتماعی، بهزیستی معنوی،

### فاصله اجتماعی و افسردگی دانشجویان دختر

## A mediated model of emotional and social feeling of loneliness, spiritual well-being, social distancing and depression in female university students

**Sh. Vahedi:** Assistant Professor, Tabriz University

E-mail: vahedi117@yahoo.com

**J. Fathabadi:** Assistant Professor, Shahid Beheshti University

**S. Akbari:** MA in Educational Psychology

شهرام واحدی: استادیار دانشگاه تبریز

جلیل فتح آبادی: استادیار دانشگاه شهیدبهشتی

سونیا اکبری: دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی

### Abstract

**Aim:** Aim of this study was to determine mediation effects of emotional loneliness on the links of spiritual well being, social distance, social loneliness and depression in Iranian university students. **Method:** This study utilized a descriptive correlational design. In this study 251 undergraduate students were selected by availability sampling. All participants were asked to complete the Social Distance Scale (Elmore, 1982), UCLA Loneliness Scale (Russell, 1996), Wadsworth (1986) Scale of Loneliness, Spiritual Well-Being Scale (Paloutzian, & Ellison, 1982) and Zung self rating depression. The theoretical model was tested within a structural equation-modeling framework to identify both direct and indirect effects. **Results:** Research findings indicated overall model fit, with both emotional loneliness and spiritual well-being as significant predictors of depression. Although direct effects of social distance and social loneliness were not significant, indirect effect on depression were partially mediated by emotional loneliness. In addition to direct effect of spiritual well being on depression, it was fully mediated by emotional loneliness. These findings were consistent with the role of loneliness in depression as theoretically proposed. **Conclusion:** More social distance, and particularly lonelier individuals are more likely to report higher levels of depressive symptoms. In addition, a high personal relationship with God and purpose in life are associated with low depression. Findings emphasize the need to recognize the role of spiritual well being, social distance, social loneliness and emotional loneliness in predicting depression.

**Keywords:** depression, emotional loneliness, loneliness, social distance, social loneliness, spiritual well-being

### چکیده

**هدف:** هدف پژوهش حاضر تعیین اثرات میانجیگری احساس تنهایی هیجانی در رابطه بین تنهایی اجتماعی، بهزیستی معنوی، فاصله اجتماعی و افسردگی دانشجویان بود. **روش:** روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس ۲۵۱ دانشجوی دختر از بین دانشجویان دانشگاه تبریز انتخاب شدند و به مقیاس‌های احساس تنهایی اجتماعی راسل (۱۹۹۶)، احساس تنهایی هیجانی وودورث (۱۹۸۶)، بهزیستی معنوی پالوتزین و الیسون (۱۹۸۲)، افسردگی زونگ (۱۹۶۷) و فاصله اجتماعی المر (۲۰۰۰) پاسخ دادند. به منظور آزمون الگوی اثرات مستقیم و غیرمستقیم در الگوی پیشنهادی، از روش آماری الگویابی معادلات ساختاری استفاده شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد الگو از برازش کلی برخوردار است، متغیرهای فاصله اجتماعی، بهزیستی معنوی، احساس تنهایی هیجانی و اجتماعی به طور معناداری می‌توانند افسردگی جوانان را پیش‌بینی کنند. این یافته‌ها با نقش احساس تنهایی هیجانی در افسردگی براساس الگوی نظری پیشنهادی همسو است. **نتیجه‌گیری:** هر چه قدر فاصله اجتماعی و احساس تنهایی افراد بیشتر باشد، میزان نشانه‌های افسردگی در آن‌ها بالاتر است. ارتباط زیاد با خدا و هدف در زندگی با افسردگی پایین همراه است. نتایج این پژوهش، ضرورت بازشناسی نقش فاصله اجتماعی، بهزیستی معنوی، احساس تنهایی هیجانی و اجتماعی را در پیش‌بینی افسردگی دانشجویان مورد تأکید قرار می‌دهد.

**کلیدواژه‌ها:** افسردگی، بهزیستی معنوی، تنهایی اجتماعی،

تنهایی هیجانی، فاصله اجتماعی

## مقدمه

یکی از رویدادهای مهم برای هر جوان ایرانی قبول شدن در دانشگاه است و در دانشگاه تغییرات زیادی را در روابط اجتماعی و فردی تجربه می‌کند. بعضی از دانشجویان قادرند خودشان را با شرایط محیطی جدید وفق دهند و با انتخاب رویکرد انعطاف‌پذیرانه در برابر تغییرات، موفقیت‌های تحصیلی و شناختی خود را ارتقا بخشند. لیکن ۳۰ درصد دانشجویان به دلایلی از قبیل آشنا نبودن با محیط دانشگاه یا فرهنگ حاکم بر منطقه در صورت غیربومی بودن، جدایی و دوری از خانواده، عدم علاقه به رشته تحصیلی، ناسازگاری با سایر افراد محیط، از ناراحتی‌های روانی مانند افسردگی رنج می‌برند و در نتیجه به افت عملکرد تحصیلی دچار می‌شوند (رتک<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹). برای مثال، نتایج تحقیقات نشان دادند که حدود ۵۳ الی ۶۱ درصد دانشجویان درجات مختلفی از افسردگی را تجربه می‌کنند (آقاخانی و بقایی، ۱۳۷۹؛ ظهور و موسی خانی، ۱۳۸۰). یکی از مکانیزم‌های احتمالی روان‌شناختی مؤثر بر افسردگی دانشجویان، تجربه احساس تنهایی است. یافته‌های تجربی نشان داده‌اند که جوانان بیشتر از بزرگسالان تنهایی را تجربه می‌کنند. تنهایی به ویژه میان دانشجویان یک مشکل مدیدی برای مشاوران و درمانگران بوده است (کرن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵).

گاتمن<sup>۳</sup> تنهایی را معادل انزوای اجتماعی می‌داند. پرلمن و پیلائو<sup>۴</sup> تنهایی را برحسب تفاوت و شکاف بین سطح مطلوب و سطح موجود روابط اجتماعی افراد، با در نظر گرفتن جنبه‌های کمی و کیفی آن، تعریف کردند. به نظر آن‌ها، مبنای احساس تنهایی، فاصله و شکاف بین آرمان‌های فرد (آنچه می‌خواهد) و دستاوردهای او (آنچه به دست آورده است) در روابط و صمیمیت‌های بین فردی است. هرچه این فاصله بیشتر باشد، احساس تنهایی بیشتر است (حسین چاری و خیر، ۱۳۸۱).

با وجود این، ویز<sup>۵</sup> (۱۹۷۳)، به نقل از حسین چاری و خیر، (۱۳۸۱) بین تنهایی ناشی از انزوای اجتماعی و تنهایی ناشی از انزوای عاطفی تمایز قائل شده‌اند. در احساس تنهایی هیجانی، فقدان وابستگی عاطفی به شخص یا افراد دیگر برجستگی دارد، در حالی که در احساس تنهایی اجتماعی، عدم درگیری در روابط و شبکه‌های اجتماعی نقش بارزی دارد (کرن، ۲۰۰۵).

- 
1. Rettec
  2. Crane
  3. Gottman
  4. Perlman & Peplau
  5. Weiss

نتایج مطالعات مختلف نشان داده‌اند که تنهایی همبستگی مثبتی با مشکلات درونی شده مانند افسردگی دارند (فونتین، یانگ، برکز، دج، پرایز، پتی و بیتز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹). اما نقش تنهایی در رابطه بین مشکلات ارتباطی و مشکلات بعدی نشانه‌های افسردگی نسبتاً کمتر شناخته شده است. بوین و هیمل<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) دریافتند که تنهایی یک اثر میانجیگری در رابطه بین شرایط اجتماعی کودک و پیامدهای افسردگی دارند.

علاوه بر این، برخی از پژوهش‌ها (آرچیبالد<sup>۳</sup>، ۱۹۸۴؛ راسل، دپلاو و کاترونا<sup>۴</sup>، نقل آرچیبالد، ۱۹۸۴) نشان داده‌اند که میزان احساس تنهایی در دختران بیشتر از پسران است. بنابراین مطالعه حاضر تنهایی هیجانی به عنوان یک متغیر میانجی مورد بررسی قرار می‌دهد.

تصور بر این است که فقدان تماس رو در رو و جدایی از دیگران ممکن است نه تنها به احساس فاصله اجتماعی در روابط بلکه به احساس تنهایی، به‌ویژه در جوانان منجر شود (کرن<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵؛ بندورا<sup>۶</sup>، ۲۰۰۲). فاصله اجتماعی به صورت نزدیکی فاصله (میزان فاصله شخص) تعریف می‌شود که بین فرد و اطرافیان او تصور می‌شود. هال<sup>۷</sup> فاصله اجتماعی به عنوان جایی بین ۱۲۲ الی و ۳۶۶ سانتی‌متر تعیین کرد. وی ادعا می‌کند که در وضعیت دور فاصله اجتماعی، می‌توان مردم از همدیگر جدا کرد (کرن، ۲۰۰۵). فاصله اجتماعی ادراکی<sup>۸</sup> را می‌توان به عنوان ارزیابی روان‌شناختی فرد از فاصله‌ای که بین خود و دیگران می‌بینند در نظر گرفت. فاصله اجتماعی ادراکی ممکن است برای حفظ مرزها در شبکه‌های اجتماعی (یعنی خانواده‌ها، محیط کار و تعاملات عمومی اجتماعی) برای تقویت روابط مثبت به کار رود. (کرخارت و کیلدا<sup>۹</sup>، ۱۹۹۹).

پژوهش‌ها نشان می‌دهند افرادی که مشکلات مداومی در ایجاد و حفظ ارتباط با دیگران دارند، و در ارضای نیازهای تعلق‌پذیری<sup>۱۰</sup> شان مشکل دارند، رشد هیجانی و اجتماعی‌شان با مشکل مواجه می‌شود و به آشفتگی‌های روان‌شناختی از قبیل تنهایی و افسردگی منجر می‌شود. بنابراین بازشناسی و ارزیابی ویژگی‌های احساس تنهایی می‌تواند در کمک به بهداشت روانی دانشجویان مؤثر واقع شود (گوزنز<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۹).

1. Fontaine, Yang, Burks, Dodge, Price, Pettit & Bates
2. Boivin & Hymel
3. Archibald
4. Russell, Deplau & Cutrona
5. Crane
6. Bandura
7. Hall
8. perceived social distance
9. Krackhardt and Kilduff
10. belongingness
11. Goossens

از طرف دیگر، بهزیستی معنوی نقش مهمی در بهبود سلامت روانی و سازگاری اجتماعی افراد به عهده دارد. مفهوم بهزیستی معنوی از دو مؤلفه معنوی و بهزیستی تشکیل شده است. طبق نظر الیسون<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) بهزیستی معنوی - که یک عنصر مذهبی است - نشانه ارتباط با یک قدرت برتر یعنی خدا است. بهزیستی وجودی عنصر روانی اجتماعی است و نشانه احساس فرد است از این که کیست، چه کاری و چرا انجام می‌دهد و به کجا تعلق دارد. این دو بعد در عین منفک بودن با هم تعامل و همپوشی دارند (دهشیری، سهرابی، جعفری و نجفی، ۱۳۸۷). تحقیقات نشان می‌دهد سازگاری اجتماعی، داشتن مهارت‌های مقابله‌ای قوی و انعطاف‌پذیری در مواقع استرس و بحران‌های شخصی همه با سطوح بالاتر بهزیستی معنوی ارتباط داشتند (ولف و استونس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱؛ کمیآ<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰؛ رابرت، یونگ و کلی<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶). افزون بر این، برخی از مطالعات نشان دادند که میانگین نمرات بهزیستی مذهبی و معنوی دانشجویان دختر بیشتر از دانشجویان پسر است (دهشیری و همکاران، ۱۳۸۷).

به طور کلی، تنهایی اجتماعی - هیجانی و نداشتن ارتباط معنوی همراه با فاصله اجتماعی می‌تواند زمینه افسردگی را در جوانان دختر فراهم سازد، شواهد تجربی به صورت مستقیم و غیرمستقیم بعضی حمایت‌های برای الگوی میانجیگری فراهم کرده است. در پژوهش حاضر نیز، احساس تنهایی هیجانی (متغیر مستقل درون‌زا) در ارتباط بین فاصله اجتماعی، احساس تنهایی اجتماعی، بهزیستی معنوی (متغیر مستقل برون‌زا) و افسردگی دانشجویان (متغیر وابسته درون‌زا) نقش میانجیگری به عهده داشت (شکل ۱). فرضیه‌های پژوهش به شرح زیرند:

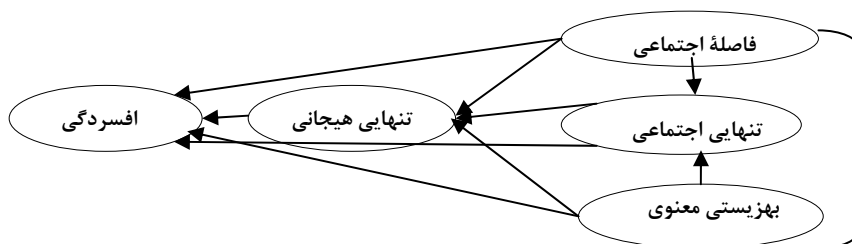
**فرضیه ۱.** فاصله اجتماعی، بهزیستی معنوی و احساس تنهایی اجتماعی بر افسردگی اثر مستقیم و غیرمستقیم دارد؛

**فرضیه ۲.** بهزیستی معنوی و فاصله اجتماعی بر احساس تنهایی هیجانی اثر مستقیم و غیرمستقیم دارد؛

**فرضیه ۳.** احساس تنهایی اجتماعی بر احساس تنهایی هیجانی اثر مستقیم (مثبت) دارد؛

**فرضیه ۴.** احساس تنهایی هیجانی رابطه بین فاصله اجتماعی، بهزیستی معنوی، احساس تنهایی اجتماعی و افسردگی را میانجیگری خواهد کرد.

1. Ellison
2. Wolf & Stevens
3. Kaymia
4. Robert, Young & Kelly



شکل ۱. الگوی پیشنهادی رابطه بین بهزیستی معنوی، فاصله اجتماعی، تنهایی اجتماعی و هیجانی و افسردگی

## روش

روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی است. زیرا در پژوهش حاضر ارتباط بین متغیرهای پیش‌بین (احساس تنهایی هیجانی، احساس تنهایی اجتماعی، فاصله اجتماعی، بهزیستی معنوی) و متغیرهای ملاک (افسردگی) مطالعه می‌شود. جامعه آماری این پژوهش را دانشجویان دختران مجرد شهرستانی ساکن در خوابگاه‌های دانشگاه تبریز در سال تحصیلی ۱۳۸۷ تشکیل می‌دهند. روش نمونه‌گیری، به صورت نمونه‌گیری در دسترس بوده است. تعداد ۲۴۷ نفر از بین دانشجویان دختر شهرستانی مقطع کارشناسی ترم اول انتخاب شدند. ۵ پرسشنامه پژوهش را به صورت انفرادی و گروهی تکمیل شدند. کلان<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) نمونه‌های بزرگتر از ۲۰۰ نفر را «نمونه بزرگ» در نظر می‌گیرد و برای بسیاری از الگوها مناسب می‌داند. علاوه بر این، بر اساس پیشنهاد استیونس<sup>۲</sup> (هومن، ۱۳۸۴) ۱۵ نفر به ازای هر متغیر مورد نظر برای اندازه‌گیری منطقی است.

## ابزار پژوهش

روایی صوری و محتوایی<sup>۳</sup> همه این مقیاس‌ها نخست توسط پژوهشگران و دو نفر از اساتید مجرب به طور جداگانه به فارسی ترجمه و سپس توسط دو متخصص زبان انگلیسی به طور جداگانه مجدداً به انگلیسی برگردانده شد. برای اطمینان بیشتر در مورد صحت ترجمه و مطابقت دو نسخه انگلیسی و فارسی طی یک جلسه مشترک چالش‌های موجود رفع شد. بدین ترتیب، پس از چند مرحله بررسی، بازبینی و اعمال تغییرات و اصلاحات روایی محتوایی این پرسشنامه به کمک چند نفر از اعضای هیأت علمی تأیید شد.

1. Kline  
2. Stevens  
3. Face and content validity

۱. فاصله اجتماعی<sup>۱</sup>. مقیاس فاصله اجتماعی به وسیله المر<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) تنظیم شد. مقیاس از شش دایره تشکیل شده است. اولین دایره خود را نشان می‌دهد. از شرکت‌کننده خواسته می‌شود میزان نزدیکی از افراد مختلف را در ارتباط با دایره خود روی ۵ دایره به سمت راست ارزیابی کند. پایایی آلفای مقیاس فاصله اجتماعی، ۰/۷۱ برآورد شده است (کرن، ۲۰۰۵).

۲. مقیاس تنهایی<sup>۳</sup>. برای سنجش انزوایی اجتماعی<sup>۴</sup> از مقیاس تنهایی (راسل<sup>۵</sup>، ۱۹۹۶) استفاده شد. این مقیاس ۲۰ سؤالی براساس مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای (هرگز، به ندرت، گاهی اوقات و همیشه) تنظیم شده است که گویه‌های ۱-۴-۵-۶-۹-۱۰-۱۵-۱۶-۱۹-۲۰ برعکس نمره‌گذاری می‌شوند. پایایی‌های آزمون و آزمون مجدد ۰/۷۳، دامنه ضریب آلفا ۰/۷۹ تا ۰/۹۴ گزارش نمودند (جونز و مور<sup>۶</sup>، ۱۹۸۷؛ راسل، ۱۹۹۶؛ احدی، ۱۳۸۸).

۳. مقیاس تنهایی وودورث<sup>۷</sup>. این مقیاس برای اندازه‌گیری انزوایی هیجانی ساخته شده است که دارای ۱۸ گویه است. گویه‌های ۲-۹-۱۱-۱۲-۱۴-۱۶-۱۸ برعکس نمره‌گذاری می‌شود. ضریب پایایی برای این مقیاس ۰/۸۲ محاسبه شده که همبستگی معناداری با مقیاس تنهایی دارد (کرن، ۲۰۰۵).

۴. مقیاس بهزیستی معنوی<sup>۸</sup>. این مقیاس توسط پالوتزین و الیسون<sup>۹</sup> (۱۹۸۲) ساخته شد و دو خرده‌مقیاس را شامل می‌شود. سؤال‌های فرد مقیاس مربوط به خرده‌مقیاس بهزیستی مذهبی است و میزان تجربه فرد از رابطه رضایت‌بخش با خدا را می‌سنجد و سؤال‌های زوج مربوط به خرده‌مقیاس بهزیستی وجودی است که احساس هدفمندی و رضایت از زندگی را می‌سنجد. پاسخگویی به سؤال‌ها براساس مقیاس لیکرت ۶ درجه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم است. ضریب پایایی بازآزمایی برای خرده‌مقیاس بهزیستی مذهبی، بهزیستی وجودی و نمره کل مقیاس به ترتیب برابر ۰/۹۶، ۰/۸۶ و ۰/۹۳ و ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب برابر با ۰/۹۱، ۰/۹۱ و ۰/۹۳ گزارش شده است (پالوتزین و الیسون، ۱۹۸۲). در این پژوهش میزان پایایی با روش آلفای کرونباخ برای این دو عامل به ترتیب برابر با ۰/۸۷ و ۰/۸۰ به دست آمد.

1. Social Distance Scale (SDS)
2. Elmore
3. University of California Los Angeles Loneliness Scale (UCLA)
4. social isolation
5. Russell
6. Jones & Moore
7. Wadsworth Scale of Loneliness (WSL)
8. Spiritual Well-Being Scale (SWBS)
9. Paloutzian, & Ellison

۵. مقیاس افسردگی زونگ<sup>۱</sup> ۱۹۶۷. این مقیاس شامل ۲۰ سؤال چهار جوابی است که آزمودنی به آن پاسخ می دهد. نمره هر عبارت از ۱ تا ۴ و مجموع نمرات از ۲۰ تا ۸۰ متغیر است. نمره طبیعی در این آزمون ۳۴ و پایین تر است و نمره ۵۰ و بالاتر از آن بیانگر افسردگی است. اعتبار آزمون افسردگی زونگ با محاسبه همبستگی آن با آزمون افسردگی هامیلتون برابر ۰/۶۳ و همبستگی آن با ارزیابی و قضاوت بالینی روان پزشک حداکثر تا ۰/۶۹ گزارش شده است (شیخ لو، ۱۳۸۲).

## یافته‌ها

دامنه سنی شرکت کنندگان بین ۱۹ الی ۲۵ سال در نوسان بود. سطح تحصیلات والدین آزمودنی ها به ترتیب ۱۷/۸ درصد بیسواد، ۳۷/۷ درصد راهنمایی و دیپلم، ۱۶/۶ درصد لیسانس و فوق دیپلم و ۱/۲ درصد فوق لیسانس بود. همچنین ۱۳/۴ درصد وضعیت مالی خانواده شرکت کنندگان ضعیف و خیلی ضعیف، ۲۳/۹ درصد در حد متوسط به پایین، ۳۴/۴ درصد متوسط و ۱۶/۶ درصد متوسط به بالا و ۸/۱ درصد در حد عالی گزارش شد.

نتایج ارزیابی تحلیل تک‌متغیره جدول ۱ نشان داد که کشیدگی و کجی هیچ‌یک از متغیرها به ترتیب بیشتر از نقطه برش ۳ یا ۸ نبود، که نشان‌دهنده نداشتن مشکلاتی در مورد غیربهنجار بودن تک‌متغیره است (کلاین<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸). در نهایت بهنجار بودن چندمتغیره با استفاده از مقدار کشیدگی چندمتغیره بهنجار شده مردیا<sup>۳</sup> و فاصله ماهالانوبیس (d<sup>۲</sup>)<sup>۴</sup> بررسی شد. داده‌های که از مرکز هندسی همه متغیرهای مشاهده شده فاصله‌ای زیادی داشتند، حذف شدند. مقدار مردیا در این مطالعه بزرگتر از ۳ نبود، و مقادیر بزرگتر از ۳ نشان‌دهنده غیر بهنجار بودن است (بنتلر و ریکو<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰ و یولمن<sup>۶</sup>، ۲۰۰۶).

الگویابی معادلات ساختاری<sup>۷</sup> در دو مرحله با استفاده از برنامه رایانه‌ای (ایموس<sup>۸</sup>؛ آرباکل<sup>۹</sup>، ۲۰۰۷) اجرا شد. در مرحله اول، ابتدا تحلیل‌های عاملی تأییدی مورد استفاده قرار گرفت تا میزانی که هر یک از پنج متغیر نهفته که به وسیله شاخص‌هایش در الگوهای اندازه‌گیری

1. Zung self rating depression
2. Kline
3. Mardia's normalized multivariate kurtosis
4. Mahalanobis D<sup>2</sup>
5. Bentler & Raykov
6. Ullman
7. Structural equation modeling (SEM)
8. Analysis of Moment Structures
9. Arbuckle

پیشنهادی ما بازنمایی می‌شود ارزیابی شود. در مرحله دوم، وقتی الگوی اندازه‌گیری پذیرفته شد، تحلیل مسیر برای آزمون الگوی ساختاری به کار گرفته شد که در آن الگوی اندازه‌گیری تحلیل اثرات میانجیگری با بهره‌گیری از روش پیشنهادی بارون و کنی<sup>۱</sup> (۱۹۸۶) انجام شد.

در الگویابی معادلات ساختاری از روش بیشترین احتمال برای برآورد الگو و از برخی شاخص‌های دیگر برای بررسی برازندگی الگو استفاده شد. رایج‌ترین شاخص‌های آماری برازش الگو،  $\chi^2/df$ ؛ ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب<sup>۲</sup>، شاخص‌های برازش مقایسه‌ای<sup>۳</sup> (شاخص برازش افزایشی<sup>۴</sup> و شاخص برازش تطبیقی) ارزیابی شده‌اند: مقدار  $\chi^2/df$  کمتر از ۵ دال برازش مطلوب است (ویتون، موتن، آلوین و سانرز<sup>۵</sup>، ۱۹۷۷). مقدار نزدیک به ۱ برای شاخص‌های برازش افزایشی و تطبیقی و مقدار کوچکتر یا مساوی ۰/۰۵ برای شاخص‌های ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب، بر برازندگی مناسب و مطلوب دلالت دارند (هارینگتن<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹).

با استفاده از شاخص‌های اصلاح، تغییراتی در الگو ایجاد کردیم. شاخص‌های اصلاح نشان داد که با همبسته کردن برخی از باقیمانده‌های بسته سؤالات، درون مقیاس‌های الگو، شاخص‌های برازش الگو به طور قابل توجهی بهبود خواهند یافت. در اینجا حداکثر برای هر متغیر مشاهده دو بسته سؤالات را همبسته کردیم. از آنجایی که باقیمانده‌ها تأثیراتی را بازنمایی می‌کند که در الگو قرار نگرفته است، پذیرفتنی است که گویه‌های درون یک عامل به شیوه مشابه تحت تأثیر قرار گیرند (بوروس و استونس<sup>۷</sup>، ۲۰۰۰).

در جدول ۱ مشخصه‌های آماری شرکت‌کنندگان، نتایج آزمون ضریب همبستگی متغیرها و پایایی نشان داده است. همان طور که ملاحظه می‌شود افسردگی دانشجویان با بهزیستی معنوی همبستگی منفی معنادار، ولی با احساس تنهایی اجتماعی، احساس تنهایی هیجانی و فاصله اجتماعی رابطه مثبت معنی‌داری دارد.

- 
1. Baron & Kenny
  2. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)
  3. Comparative Fit Index (CFI)
  4. Incremental Fit Index (IFI)
  5. Wheaton, Muthen, Alwin, & Sunners
  6. Harrington
  7. Bruce & Stevens



جدول ۱. ماتریس همبستگی‌های متقابل و میانگین، انحراف معیار، پایایی متغیرهای مشاهده شده

مقیاس‌های اندازه-گیری	۱	۲	۳	۴	۵	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	$\alpha$
۱) احساس تنهایی اجتماعی	۱					۴۱/۷۲	۹/۵۲	۰/۱۰	۰/۶۲	۰/۸۵
۲) احساس تنهایی هیجانی	۰/۵۲**	۱				۴۴/۶۲	۶/۹۸	۰/۰۹	۰/۲۳	۰/۶۸
۳) افسردگی	۰/۵۱**	۰/۶۶**	۱			۴۲/۷۹	۹/۴۶	۰/۴۱	-۰/۱۸	۰/۸۶
۴) بهزیستی معنوی	-۰/۳۸**	-۰/۴۵**	-۰/۵۶**	۱		۹۱/۹۶	۱۴/۲۹	-۰/۵۸	۰/۰۵	۰/۸۶
۵) فاصله اجتماعی	۰/۲۹**	۰/۱۶*	۰/۳۰**	-۰/۴۳**	۱	۳۵/۴۹	۷/۹۳	-۰/۳۷	۰/۲۱	۰/۷۶

\* در سطح ۰/۰۵ معنادار است. \*\* در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است.

**الگوی اندازه‌گیری.** به منظور کنترل خطای اندازه‌گیری متورم<sup>۱</sup> در ارتباط با گویه‌های چندگانه برای متغیر نهفته، چهار بسته سؤال و در هر بسته، نمرات متوسط گویه‌ها برای هر یک از سازه‌ها ایجاد شد. الگوی اندازه‌گیری شامل چهار سازه نهفته<sup>۲</sup> و ۲۲ متغیر مشاهده‌ای است. چهار بسته سؤالات برای هر یک از عامل‌ها ایجاد شد. پنج تحلیل عاملی تأییدی برای آزمون هر یک از الگوهای اندازه‌گیری انجام شد. شاخص‌های برازش برای الگوهای اندازه‌گیری در جدول ۲ ارائه شده است. جدول ۲ تحلیل‌ها آشکار کرد که الگوهای اندازه‌گیری ما با داده‌ها، برازش مطلوبی داشت.

جدول ۲. شاخص‌های برازش برای الگوهای اندازه‌گیری

مقیاس‌های اندازه‌گیری	شاخص‌های برازش الگو		
	کای اسکوتر نسبی	شاخص برازش مقایسه‌ای	شاخص نرم شده برازندگی
تنهایی اجتماعی	۱/۲۱	۰/۹۹	۰/۹۹
تنهایی هیجانی	۵/۱۱	۰/۹۹	۰/۹۹
افسردگی	۲/۸۸	۰/۹۹	۰/۹۹
بهزیستی معنوی	۰/۸	۱	۰/۹۹
فاصله اجتماعی	۱۰/۱۲	۰/۹۷	۰/۹۶

**الگوی ساختاری.** الگوی پیشنهادی ما (شکل ۱) پیش‌بینی کرد که احساس تنهایی هیجانی رابطه بین احساس تنهایی اجتماعی، فاصله اجتماعی، بهزیستی معنوی و افسردگی را میانجی‌گری خواهد کرد. الگوهای میانجی مستلزم ۱. مسیر رگرسیون معنادار بین پیش‌بین (X) و ملاک (Z)؛

1. Inflated measurement errors

۲. مسیر رگرسیون معنادار بین پیش‌بین (X) و میانجی (Y)، و ۳. مسیر رگرسیونی معنادار پیش‌بین (Y) و ملاک (Z) است. وقتی که Y در نظر گرفته می‌شود، مسیر بین X و Z معنادار نشود، در آن صورت می‌توان نتیجه گرفت که رابطه بین X و Z به کلی تابع Y است یا به وسیله Y میانجی‌گری می‌شود (بارون و کنی، ۱۹۸۶). روایی الگوی ساختاری با توجه به ملاک‌های شاخص برازش و ضرایب مسیر تعیین شدند. مجموع ۷ الگو برای ارزیابی تأمین این ملاک‌ها مورد آزمون قرار گرفت.

*الگوی ۱. فاصله اجتماعی و افسردگی.* این الگو داده‌ها را به طور معقول خوب برازش داد (۰/۹۱ = شاخص نرم شده برازندگی، ۰/۹۳ = شاخص برازش افزایشی، ۰/۹۳ = شاخص برازش مقایسه‌ای، ۰/۱۱ = ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب و ۳/۷۹ = کای اسکور نسبی).

*الگوی ۲. بهزیستی معنوی و افسردگی.* این الگو داده‌ها را خوب برازش داد (۰/۹۳ = شاخص نرم شده برازندگی، ۰/۹۵ = شاخص برازش افزایشی، ۰/۹۵ = شاخص برازش مقایسه‌ای، ۰/۱۱ = ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب و ۳/۴۵ = کای اسکور نسبی). ضریب مسیر بین بهزیستی معنوی و افسردگی منفی (۰/۷۶-) بود و ۵۸ درصد واریانس را افسردگی را تبیین می‌کرد.

*الگوی ۳. احساس تنهایی اجتماعی و افسردگی.* شاخص‌های برازش نشان می‌دهد که این الگو داده‌ها را خوب برازش داد (۰/۹۵ = شاخص نرم شده برازندگی، ۰/۹۷ = شاخص برازش افزایشی، ۰/۹۷ = شاخص برازش مقایسه‌ای، ۰/۰۸ = ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب و ۳/۴۷ = کای اسکور نسبی). همان‌طوری که انتظار می‌رفت، ضریب مسیر بین احساس تنهایی اجتماعی و افسردگی (۰/۶۴) بود و ۴۱ درصد واریانس را افسردگی را تبیین می‌کرد.

*الگوی ۴. احساس تنهایی هیجانی و افسردگی.* شاخص‌های برازش نشان می‌دهد که این الگو داده‌ها را خوب برازش داد (۰/۹۲ = شاخص نرم شده برازندگی، ۰/۹۴ = شاخص برازش افزایشی، ۰/۹۴ = شاخص برازش مقایسه‌ای، ۰/۱۱ = ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب و ۳/۴۹ = کای اسکور نسبی). همان‌طوری که انتظار می‌رفت، ضریب مسیر بین احساس تنهایی هیجانی و افسردگی (۰/۸۲) بود، هر چه قدر افراد احساس می‌کنند که ارتباط با دیگران را از دست داده‌اند، میزان افسردگی در آن بالاتر است و ۶۷ درصد واریانس را افسردگی را تبیین می‌کرد.

*الگوی ۵. فاصله اجتماعی و متغیر میانجیگر.* به غیر از شاخص مجذور خی، سایر شاخص‌های برازش نشان می‌دهد که این الگو داده‌ها را خوب برازش داد (۰/۹۲ = شاخص نرم شده برازندگی، ۰/۹۵ = شاخص برازش افزایشی، ۰/۹۵ = شاخص برازش مقایسه‌ای، ۰/۰۸ = ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب و ۲/۴۶ = کای اسکور نسبی). همان‌طوری که انتظار می‌رفت، ضریب مسیر بین فاصله اجتماعی و احساس تنهایی هیجانی (۰/۲۷) بود. همه بارهای عاملی شاخص‌ها روی متغیرهای نهفته معنادار بودند *الگوی ۶. بهزیستی معنوی و میانجیگر.* در این الگو، به غیر از

الگوی میانجی احساس تنهایی هیجانی و اجتماعی، بهزیستی معنوی ...

شاخص مجذور خی، سایر شاخص‌های برازش بیانگر برازش خوب الگوی مذکور با داده‌ها است ( $0/93 =$  شاخص نرم شده برازندگی،  $0/96 =$  شاخص برازش افزایشی،  $0/96 =$  شاخص برازش مقایسه‌ای،  $0/08 =$  ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب و  $2/26 =$  کای اسکوتر نسبی). همان طوری که انتظار می‌رفت، ضریب مسیر بین بهزیستی معنوی و احساس تنهایی هیجانی ( $0/62 -$ ) بود و  $42$  درصد واریانس را تنهایی هیجانی را تبیین می‌کرد.

*الگوی ۷. احساس تنهایی اجتماعی و متغیر میانجیگر.* در الگوی هفتم، به غیر از شاخص مجذور خی، سایر شاخص‌های برازش دال بر برازش خوب الگوی مذکور با داده‌ها حکایت دارد ( $0/91 =$  شاخص نرم شده برازندگی،  $0/93 =$  شاخص برازش افزایشی،  $0/93 =$  شاخص برازش مقایسه‌ای،  $0/13 =$  ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب و  $4/45 =$  کای اسکوتر نسبی). همان طوری که انتظار می‌رفت، ضریب مسیر بین احساس تنهایی اجتماعی و احساس تنهایی هیجانی ( $0/74$ ) بود و  $54$  درصد واریانس را تنهایی هیجانی را تبیین می‌کرد. بارهای عاملی نهفته تمامی الگوها معنادار بودند ( $0/01 < p$ ).

**الگوی میانجیگری.** برای آزمون این شرط نهایی یعنی الگوی میانجی شده مطابق نظر بارون و کنی (۱۹۸۶)، مسیرهای از فاصله اجتماعی، بهزیستی معنوی و احساس تنهایی اجتماعی به طرف افسردگی حذف شدند، در مقایسه با الگوی فرضی شکل ۱، مسیرهای اضافی از متغیرهای پیش‌بین به سوی افسردگی، الگو را ارتقا بخشید ( $0/85 =$  شاخص نرم شده برازندگی،  $0/91 =$  شاخص برازش افزایشی،  $0/91 =$  شاخص برازش مقایسه‌ای،  $0/07 =$  ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب و  $2/29 =$  کای اسکوتر نسبی). وقتی احساس تنهایی هیجانی وارد الگو شد، اثرات مستقیم بهزیستی معنوی، فاصله اجتماعی و احساس تنهایی اجتماعی بر افسردگی دیگر معنادار نبود ( $0/05 > P$ ). این الگو توانست  $83$  درصد نشانه‌های افسردگی دانشجویان جدیدالورود را تبیین کند. در جدول ۳ و شکل ۲ اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل نشان داده شده است.

### بحث و نتیجه‌گیری

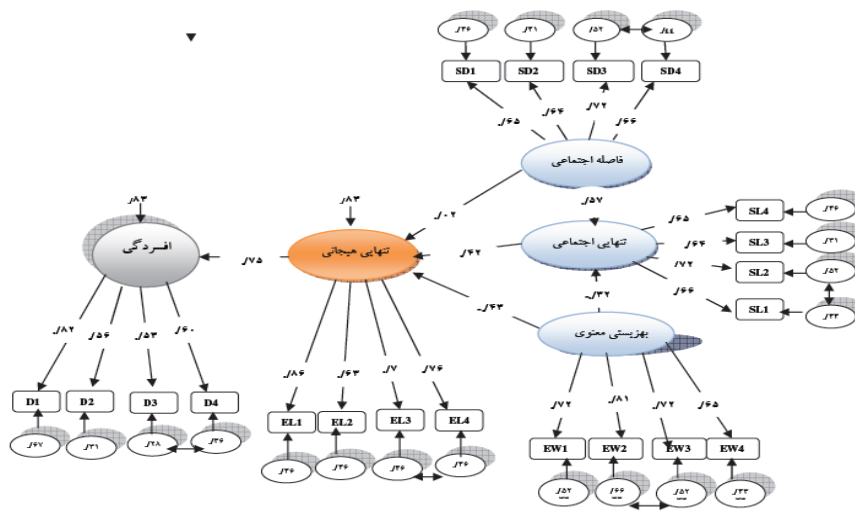
این پژوهش حاضر با هدف بررسی اثر میانجیگری احساس تنهایی هیجانی در رابطه بین بهزیستی معنوی، تنهایی اجتماعی و فاصله اجتماعی با افسردگی در بین دانشجویان دختر انجام شد. نتایج حاصل از تحلیل نشان داد که الگوی فرضی داده‌های نمونه حاضر را به خوبی برازش داد. سنجه احساس تنهایی هیجانی تا اندازه‌ای توانسته است رابطه بین تنهایی اجتماعی، بهزیستی معنوی، فاصله اجتماعی و نمرات افسردگی را میانجیگری نماید. اثرات غیر مستقیم فاصله اجتماعی و احساس تنهایی اجتماعی بر افسردگی از طریق مسیرهای احساس تنهایی

هیجانی مؤثر بود که این نتیجه با یافته‌های راسل (۱۹۹۶) و روکس و کانرز (۲۰۰۱) و فونتاین<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۹) و بوین و همکاران (۱۹۹۷) همسویی دارد.

جدول ۳. اثر مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مکنون برون‌زا بر متغیرهای مکنون درون‌زا در

الگوی میانجیگری

متغیرهای نهفته				بهبزستی معنوی				فاصله اجتماعی				تنهایی اجتماعی			تنهایی هیجانی		
				اثر				اثر				اثر			اثر		
				رکاب	بهر	مستقیم	مستقیم	رکاب	بهر	مستقیم	مستقیم	رکاب	بهر	مستقیم	رکاب	بهر	مستقیم
تنهایی اجتماعی				-۰/۴۸	-۰/۴۸	-۰/۴۸	-۰/۴۸	-۰/۴۸	-۰/۴۸	-۰/۴۸	-۰/۴۸	-۰/۴۸	-۰/۴۸	-۰/۴۸	-۰/۴۸	-۰/۴۸	-۰/۴۸
تنهایی هیجانی				-۰/۵۳	-۰/۲۷	-۰/۵۳	-۰/۵۳	-۰/۵۳	-۰/۵۳	-۰/۵۳	-۰/۵۳	-۰/۵۳	-۰/۵۳	-۰/۵۳	-۰/۵۳	-۰/۵۳	-۰/۵۳
افسردگی				-۰/۷۱	-۰/۷۱	-۰/۷۱	-۰/۷۱	-۰/۷۱	-۰/۷۱	-۰/۷۱	-۰/۷۱	-۰/۷۱	-۰/۷۱	-۰/۷۱	-۰/۷۱	-۰/۷۱	



شکل ۲. الگوی تجدید نظر شده رابطه بین فاصله اجتماعی، بهبودی معنوی با تنهایی اجتماعی و هیجانی و افسردگی

الگوی میانجی احساس تنهایی هیجانی و اجتماعی، بهزیستی معنوی ...

مسیر اول از فاصله اجتماعی مربوط با افسردگی از طریق احساس تنهایی هیجانی و اجتماعی است که این مسیر مورد تأیید قرار گرفت. چند مکانیزم ممکن است نقش میانجیگری احساس تنهایی هیجانی و اجتماعی در رابطه بین فاصله اجتماعی و افسردگی را تبیین کند.

کوبورن و تریگر<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) تجربه دانشگاه را یک دوره زمان خاص و منحصر به فرد توصیف می-کند که هرگز در فرد به طرز کاملاً یکسانی تکرار نمی‌شود. بنابراین در سال اول دانشجویی، فرد ممکن است با از دست دادن پیوند اجتماعی با دیگران در درون شبکه‌های اجتماعی محلی و فرامحلی، وابستگی عاطفی و امنیت درونی خود را از دست دهد. فقدان این رابطه صمیمی می-تواند به احساس هیجانی و اجتماعی در آن‌ها منجر شود (روکس و کانرز، ۲۰۰۱؛ لیندزی، ۲۰۰۰). نتیجه به دست آمده، عقاید ویز (۱۹۷۳) و دی جانگ-گیرولد<sup>۲</sup> (۱۹۷۸) را در مورد احساس تنهایی تأیید می‌کند. زیرا آن‌ها معتقدند اگر نیاز به تعلق<sup>۳</sup> افراد ارضا نشود و به نوعی فاصلاً اجتماعی آن‌ها زیاد شود، احساسات منفی مانند احساس تنهایی در آن‌ها ایجاد می‌شود. (بامیستر و لیری<sup>۴</sup>، ۱۹۹۵).

هنگامی که دانشجویان به ویژه دختران با محیط‌های تازه مواجه می‌شوند ممکن است واکنش‌های عاطفی مختلفی نشان دهند، از جمله تغییر فعالیت‌های روزمره، کاهش مشارکت رسمی و غیررسمی در فعالیت‌های اجتماعی، قطع روابط و مبادلات نامتقارن گرم، احساس تنهایی، عجز و یأس که از عارضه‌های انزوای اجتماعی هستند (چلبی و امیرکافی، ۱۳۸۳). از طرف دیگر، دانش‌آموزانی که به لحاظ اجتماعی خوب سازگار نمی‌شوند، در فعالیت‌های اجتماعی دانشگاه کمتر مشارکت می‌کنند و آن نیز به احساس تنهایی بیشتر منجر می‌شود. در نتیجه، این افراد، حمایت اجتماعی و فرصت درگیری فعالیت‌های اجتماعی کمتری دریافت می‌کنند (لیندزی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶).

یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر این است که بین احساس تنهایی با افسردگی رابطه مثبت دارد که با نتایج پژوهش‌های رایبی، رایبی، رایبی، کوین، رایبی و لری<sup>۶</sup> (۲۰۰۳)، روکچ، بویر و اورزک (۲۰۰۳) و بوین و همکاران (۱۹۹۷)، روکچ و همکاران، (۲۰۰۳) هماهنگ هستند. افزون بر این، ممکن است بی‌اعتباری نزد همسالان منجر به احساس تنهایی شود. زیرا عدم پذیرش همسالان و نداشتن روابط همسالان ممکن است از حس ارزش اجتماعی بکاهد و به احساس

- 
1. Coburn & Treeger
  2. De Jong-Gierveld
  3. need to belong
  4. Baumeister & Leary
  5. Lindsey
  6. Rabbi, Kevin & Larry

تنهایی منجر شود (آشر و کوئی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰). به نوبت، تنهایی نیز ممکن است به انواع مشکلات درونی شده مربوط به افسردگی و اضطراب منتهی شود. برای مثال، دیل و اندرسون<sup>۲</sup> (۱۹۹۹) پیشنهاد نمودند که تنهایی ممکن است نقش میانجیگری مهمی از عوامل علی مانند مشکلات همسالان (اطاعت بی‌اختیار) در ایجاد پیامدهای افسردگی باشد. بوین و همکاران (۱۹۹۷) دریافتند که تنهایی یک اثر میانجیگری در رابطه بین شرایط اجتماعی کودک و پیامدهای افسردگی به عهده دارد.

همچنین، مسیر دوم از بهزیستی معنوی مربوط به افسردگی به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق احساس تنهایی اجتماعی و هیجانی بود که این مسیر نیز مورد تأیید قرار گرفت که با نتایج پژوهش‌های کوئینگ، مک کالوگ و لارسن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱؛ احمري طهران و همکاران، ۱۳۸۷؛ فهرینگ، برنان و کلر<sup>۴</sup>، ۱۹۸۲؛ بنجامین و فارل<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴) همخوانی دارد. بامیستر (۱۹۹۱) تأکید می‌کند که معنویت چارچوب فلسفی برای درک زندگی و همین‌طور یک منبع نیرومندی خود<sup>۶</sup> است که شخصیت را از پراکندگی و تجزیه حمایت می‌کند. در دین مقدس اسلام، ایمان به خدا به عنوان یک منبع پایدار و ایمنی بخش برای انسان در این دنیا و دنیای آخرت محسوب می‌شود. از سوی دیگر در دین اسلام، افراد به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی تشویق می‌شوند که آن نیز از احساس تنهایی افراد جلوگیری می‌کند. مطالعه روکس و کانرز<sup>۷</sup> (۲۰۰۱) نیز نشان داد که رابطه معنادار منفی بین باورها و اعمال مذهبی (نماز خواندن، کلیسا رفتن و اعتقاد شدید به عیسی مسیح) و تنهایی وجود دارد. افرادی که درک عمیقی از ایمان دارند، کمتر از افرادی که بی‌ایمان و بی‌تفاوت هستند از احساس تنهایی رنج می‌برند.

یافته‌های پژوهش حاضر همسو با پیشینه نظری و تجربی نشان می‌دهد که بررسی نقش میانجیگر احساس تنهایی هیجانی در مطالعه رابطه بین فاصله اجتماعی و بهزیستی معنوی و افسردگی دانشجویان از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. بدون شک، عدم برقراری رابطه اجتماعی با همسالان در موقعیت جدید به لحاظ افقی و فقدان حفظ ارتباط عمودی با نیروی معنوی خدا زمینه احساس تنهایی ناشی از انزوای اجتماعی را برای دانشجویان رقم می‌زند که آن نیز منجر به تنهایی ناشی از انزوای عاطفی و نشانه‌های افسردگی می‌شود. بر این اساس، تلاش در جهت تغییر راهبردهای ناسازگارانه برخی از دانشجویان از طریق آموزش مهارت‌های اجتماعی و

1. Asher & Coie
2. Dill & Anderson
3. Koenig, McCullough & Larson
4. Fehring, Brennan & Keller
5. Benjamin & Farrell
6. ego strength

الگوی میانجی احساس تنهایی هیجانی و اجتماعی، بهزیستی معنوی ...

مقابله‌ای مؤثر، تقویت باورهای مذهبی در خوابگاه‌ها، حمایت اجتماعی مناسب و افزایش سطوح خوداثربندی اجتماعی و خودکارآمدی دانشگاهی بتوان بهزیستی روان‌شناختی آن‌ها را ارتقا بخشید و از نشانه‌های افسردگی‌شان کاست.

در سطح نظری نتایج مطالعه حاضر ضمن تأیید نظریه‌ی سالیوان در مورد روابط متقابل، سؤال-ها و فرضیه‌های جدیدی را مطرح کرد: آیا الگوی پیشنهادی در بین گروه‌های جنسی یکسان است؟ پژوهشگران علاقه‌مند، بکوشند الگوی پیشنهادی را با استفاده از الگوی معادله‌یابی ساختاری چندگروهی بررسی کنند تا الگوی مذکور به سمت جامعیت بیشتری سوق پیدا کند.

اگرچه پژوهش حاضر در مورد نقش میانجیگری احساس تنهایی شواهدی را فراهم نمود، ولی محدودیت‌های چندی نیز داشت. یکی از این محدودیت‌ها، استفاده از طرح همبستگی است که به داده‌های جمع‌آوری شده در مقطعی از زمانی بستگی دارد و مانع دستیابی به تفسیرهای علیتی دقیق می‌شود. سومین محدودیت، ویژگی خودگزارش‌دهی ابزارهای پژوهش بود که نتایج ادراک شرکت‌کنندگان را از سازه‌های مورد اندازه‌گیری نشان می‌داد. سازه‌های مورد اندازه‌گیری ممکن است تحت تأثیر ارزش‌های متفاوت فرهنگی فردی- خانوادگی قرار گیرند. محدودیت بعدی به تعمیم‌پذیری یافته‌ها مربوط می‌شود که نمونه در دسترس حاضر را دانشجویان دختر دانشگاه تبریز تشکیل می‌داد، در نتیجه نتایج به دست آمده نمی‌تواند به سایر جمعیت‌های جنسی و قومی و فرهنگی تعمیم یابد. راسل (۱۹۹۶) دریافتند احساس تنهایی با عزت نفس و مکان کنترل بیرونی مرتبط است. پژوهش کنی و همکاران (احدی، ۱۳۸۸) با استفاده از معادلات ساختاری نشان داد ادراک خود در رابطه بین سبک دلبستگی و افسردگی نقش واسطه‌ای دارد. پیشنهاد می‌شود پژوهشگران روابط الگوی پیشنهادی را با لحاظ نمودن متغیر سبک‌های دلبستگی والدینی، عزت نفس و مکان کنترل در جمعیت‌های دیگر به ویژه در دانشجویان پسر تک فرزند دارای شرایط اقتصادی- اجتماعی مختلف بررسی کنند. برای مثال، مفید خواهد بود که دریابیم که چگونه معنویت در بین دانشجویان تک فرزند به سبک دلبستگی والدینی یا نقش آن با بهداشت روانی دانشجویان ارتباط دارد. علی‌رغم محدودیت‌ها، مطالعه حاضر اساساً بینش ما را نسبت به تعامل پیچیده میان متغیرهای بهزیستی معنوی، فاصله اجتماعی و تنهایی اجتماعی و افسردگی در دانشجویان افزایش داد. یافته‌ها بیانگر این نکته هستند که احساس تنهایی نقش کلیدی مهمی در میزان افسردگی دانشجویان دارد. انزوایی اجتماعی و عدم ارتباط معنوی با خدا منجر به تنهایی اجتماعی دانشجویان و تنهایی هیجانی زمینه ساز افسردگی آن‌ها می‌شود. برنامه ریزان و مسئولین فرهنگی دانشگاه‌ها این نکته مهم را مدنظر قرار دهند.

## منابع

- احدی، بتول. (۱۳۸۸). رابطه احساس تنهایی و عزت نفس با سبک های دلبستگی دانشجویان. *مطالعات روان شناختی*، ۱(۵): ۹۵-۱۱۲.
- احمری طهران، هادی، حیدری، اکرم، کچویی، احمد، مقیسه، مریم، و ایرانی، آزاد. (۱۳۸۸). همبستگی بین نگرش نسبت به امور مذهبی و افسردگی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قم، *مجله دانشگاه علوم پزشکی قم*، ۳(۳): ۵۱-۵۶.
- آقاخانی، نادر، و بقایی، رحیم. (۱۳۷۹). بررسی میزان افسردگی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی استان آذربایجان غربی. *مجموعه مقالات همایش سراسری تازه‌های پرستاری در اختلالات خلقی از پیشگیری تا نوتوانی*. معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی تبریز. دانشکده پرستاری و مامایی. ص ۱۲.
- چلبی، مسعود، و امیرکافی، مهمدی. (۱۳۸۳). تحلیل چند سطحی انزوای اجتماعی. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۲(۲): ۳-۳۱.
- حسین چاری، مسعود، و خیر، محمد. (۱۳۸۱). بررسی کارایی یک مقیاس برای سنجش احساس تنهایی در دانش آموزان دوره راهنمایی. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*. ۱(۱۹): ۴۶-۵۹.
- دهشیری، غلامرضا، سهرابی، فرامرز، جعفری، عیسی، و نجفی، محمود. (۱۳۸۷). بررسی خصوصیات روانسنجی مقیاس بهزیستی معنوی در میان دانشجویان. *مطالعات روان شناختی*، ۴(۳): ۱۲۹-۱۴۴.
- شیخ لو، حلیمه. (۱۳۸۲). *اضطراب و افسردگی بیماران مبتلا به انفارکتوس میوکارد در دوره بستری و پس از ترخیص در واحدهای مراقبت ویژه قلبی مراکز آموزشی و درمانی تبریز*. پایان نامه کارشناسی ارشد پرستاری مامایی تبریز. معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی تبریز. دانشکده پرستاری و مامایی. ص ۶۵.
- ظهور علیرضا، و موسی خانی احسان. (۱۳۸۰). شیوع افسردگی در دانشجویان دانشکده بهداشت کرمان و مقایسه آن با سایر دانشگاههای کشور. *فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی لرستان*. ۱۰: ۴۳-۷.
- هومن، حیدرعلی. (۱۳۸۴). الگو یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل. چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.

- Arbuckle, J. L. (2007). *Amos 16 user's guide*. Chicago: SPSS.
- Archibald, F. S. (1984). *Adolescent loneliness: cognitive and effect corelators*. Unpublished M.A. dissertation, Simon Fraser University. pp. 46.
- Asher, S. R., & Coie, J. D. (Eds.). (1990). *Peer rejection in childhood*. New York: Cambridge University Press.
- Bandura, A. (2002). Growing primacy of human agency in adaptation and change in the electronic era. *European Psychologist*, 7(1): 2-16.
- Baron, R., & Kenny, D. (1986). The moderator–mediator variable distinction in social psychological research. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51:1173-1182.
- Baumeister, R. F. (1991). *Meanings of life*. New York: Guilford.
- Baumeister, R., & Leary, M. R. (1995). The need to belong: Desire for interpersonal attachments as a fundamental human motivation. *Psychological Bulletin*, 117: 497-529.



- Benjamin R. D., & Farrell, M. (2004). The Association between spirituality and depression in an Urban Clinic. *The Primary Care Companion to The Journal of Clinical Psychiatry*, 6(3): 114–118.
- Bentler, P. M., & Raykov, T. (2000). On measures of explained variance in nonrecursive structural equation models. *Journal of Applied Psychology*, 85: 125–131.
- Boivin, M., & Hymel, S. (1997). Peer experiences and social self-perception: A sequential model. *Developmental Psychology*, 33:135–145.
- Bruce, J. & Stevens, J. J. (2001). Exploratory and confirmatory factor analysis of the school level environment questionnaire (SLEQ). *Learning Environments Research*, 4: 325–344.
- Coburn, K. L., & Treeger, M. L. (2003). *Letting go: A parents' guide to understanding the college years* (4th ed.). New York: HarperCollins.
- Crane, R. M. (2005). *Social distance and loneliness as they related to headphones used with portable audio technology*. Unpublished M.A. dissertation, Faculty of Humboldt State University Psychology and Counseling, pp.5-12.
- De Jong-Gierveld, J. (1987). Developing and testing a model of loneliness. *Journal of Psychology and Social Psychology*, 53: 119-128.
- Dill, J. C., & Anderson, C. A. (1999). Loneliness, shyness, and depression: The etiology and interrelationships of everyday problems in living. In T. Joiner & J. C. Coyne (Eds.), *The interactional nature of depression: Advances in interpersonal approaches* (pp. 93–125). Washington, DC: American Psychological Association.
- Ellison, C. (1991). Religious involvement and subjective wellbeing. *Journal of Health and Social Behavior*, 32: 80–99.
- Elmore, B. (2000). *Modified Social Distance Scale*. Unpublished raw data.
- Fehring, R., Brennan, P., & Keller, M. (1987). Psychological and spiritual well-being in college students. *Research in Nursing & Health*, 10: 391–8.
- Fontaine, R. G., Yang, C., Burks, V. S., Dodge, K. A., Price, J. M., Pettit, G. S. & Bates, J. E. (2009). Loneliness as a partial mediator of the relation between low social preference in childhood and anxious/depressed symptoms in adolescence. *Development and Psychopathology*, 21: 479–491.
- Goossens, L., Lasgaard, M., Luyckx, K., Vanhalst, J., Mathias, P. & Masy, E. (2009). Loneliness and solitude in adolescence: A confirmatory factor analysis of alternative models. *Journal of Personality and Individual Differences*, 47: 890-894.
- Harrington, D. (2009). *Confirmatory Factor Analysis*. Oxford University Press.
- Jones, W. H., & Moore, T. (1987). Loneliness and social support. *Journal of Social Behaviors and Personality*, 2 (2): 145-156.
- Kaymia, H. A. (2000). Hardiness and spiritual well-being among social work students: implication for social work education. *Journal of social work education*, 36 (2): 231-240.
- Kline, R. B. (1998). *Principles and practices of structural equation modeling*. New York: Guilford Press.
- Kline, R. B. (2005). *Principles and practice of structural equation modeling*. New York: The Guilford Press.
- Koenig, H. G., McCullough, M. E., & Larson, D. B. (2001). *Handbook of Religion and Health*. New York: Oxford University Press.
- Krackhardt, D., & Kilduff, M. (1999). Whether close or far: Social distance effects on perceived balance in friendship networks. *Journal of Personality and Social Psychology*, 76(5): 770-782.

- Lindsey, E. W., Kurtz, P. D., Jarvis, S., Williams, N. R., & Nackerud, L. (2000). How runaway and homeless youth navigate troubled waters: Personal strengths and resources. *Child & Adolescent Social Work Journal*, 17(2): 115-140.
- Lindsey, K. M. (2006). *Family dynamics and students, characteristics as predictors of undergraduate college student adjustment*. Unpublished M, dissertation, M.S. Development and Family Studies University of north Texas. pp. 65-66.
- Paloutzian, R. F., & Ellison, C. W. (1982). Loneliness, spiritual well-being and quality of life. In L. A. Peplau & D. Perlman (Eds.), *Loneliness: A sourcebook of current theory, research and therapy* (pp. 224-237). New York: Wiley Inter science.
- Rabbi, M., Rabbi, A. N., Rabbi, C.L., Rabbi, N. S., Kevin, J. F., Rabbi, B. N. Larry, V. C. (2003). Spirituality, depression, and loneliness among Jewish seniors residing in New York City. *The journal of pastoral care and counseling*, 57(3): 305-318.
- Rettec S. I.( 1999). *Cultural Differences and Similarities in Cognitive Appraisals and Emotional Responses*. New School for Social Research: Dissertation Abstract International, 309-314.
- Robert, T. E., Young, J. S., & Kelly, V. A. (2006). Relationships between adult workers' spiritual well-being and job satisfaction: a preliminary study. (Research and Theory). *Counseling and Values*, 50: 165-175.
- Rokach, A., Bauer, N., & Orzeck, T. (2003). The experience of loneliness of Canadian and Czech youth. *Journal of Adolescence*, 26: 267-282.
- Roux, A. L., & Connors, J. (2001). A cross-cultural study into loneliness amongst university students. *South African Journal of Psychology*, 31(2), 46-52.
- Russell, D. (1996). UCLA Loneliness Scale (version 3): Reliability, validity, and factor structure. *Journal of Personality Assessment*, 66: 20-40.
- Ullman, J. B. (2006). Structural equation modeling. In B. G. Tabachnick & L. S. Fidell (Eds.), *Using multivariate statistics*, (5th ed.; pp. 653-771). Boston: Allyn & Bacon.
- Wadsworth, D. B. (1986). *Two scales differentiating between emotional isolation and social isolation as two distinct types of loneliness*. Unpublished master's thesis, Humboldt State University, Arcata, California pp 47-48.
- Weiss, R. (1973). *Loneliness: The experience of emotional and social isolation*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Wolf, C. T. & Stevens, P. (2001). Integrating religion and spirituality in marriage and family counseling. *Counseling & Values*, 46: 66-75.
- Wheaton, B., Muthén, B., Alwin, D., & summers, G. (1977). Assessing reliability and stability in panel models. In D. R. Heise (Ed.), *Sociological Methodology 1977* (pp. 84-136). San Francisco: Jossey-Bass, Inc.